

یادی از فرخنده شهید، یادی از فاجعه بشری زن ستیزی

جنایتی شرم آور در آستانه تجلیل از سال نو هجرت حضرت پیغمبر



این حادثه فجیع بنیاد حقوق زن را از ریشه نابود نمود!

تبصره: بعد از سپری شدن شش سال از یکی از فجیع ترین جنایات بشری که در پایتخت افغانستان و به اشتراک گروهی وجدان فروخته و دد منش که دختر مظلومی بنام «فرخنده» را با سنگسار و سوختاندن در محضر عام به مرگ کشانیدند، هنوز عدالتی که بشود قناعت اجتماع ویران را فراهم نماید، بر قرار نگردیده است. در حقیقت با صحنه سازی های مجازی، جنایتکاران، مشوقین و حتی قوای پلیس و عساکر نظاره گر چنین صحنه های مهلکی، به تدریج از حلقه بازخواست و قانونیت ناپدید گردیدند. البته صدای زن افغان و حامیان آنان که برای اولین بار میشد که برای بر قراری عدالت و تقبیح حادثه، همانطور رسا و عدالت خواه بلند باشد، هم به تدریج در گلو خفه گردید. عرایض ین قلم به سلسله آغاز فاجعه غیر انسانی «قتل فرخنده شهید» و حوادث مرتبطه بعدی در همان سال ۲۰۱۵ و حوالی سال نو مسلمانان آغاز یافته است.

زنم که ناله من خفته در گلوی منست زنم که شام سیه صبح آرزوی منست

نادیه انجمن، شاعره توانا که سبانه بدست شوهر به قتل رسید

نوشتن آنچه بر یکی از همجنسان مظلوم، بیدفاع و هر دم شهید ما با نهایت قساوت و بیرحمی عارض گردید، تکراری خواهد بود بر مکررات با اینکه درین سال ها روشنی زیادی بر حقایق و اخبار

مربوط به آن حادثه جانگداز و آن تراژدی سیاه و خفت آور انسانی انداخته میشود، علت العلل این حادثه شرم آور را به مراجع مختلفه اجتماع پیوند میدهد که نتیجه همانا عدم وجود عدالت و پیگیری چنان عملیه شنیهی بوده است. بلی آنچه در سال ۲۰۱۵ در آستانه سال نو هجرت محمدی، بعد از اعلام متولی زیارت «شاه دوشمشیره ولی» مبنی برینکه «فرخنده شهید» اوراقی از قرآن عظیم الشان را آتش زده است که هیچ اثباتی موجود نگردید، نه تنها جمیعتی از مردان تشنه به بلوا گری، دهشت افگنی بدون مشاهده ثبوت، بی محابا بر آن زن بینوا و بیدفاع وحشیانه حمله نمودند و وی را مورد لت و کوب، پرتاب سنگ های بزرگ قرار دادند، بلکه در شرائطی که هر گوشه شهر از مأمورین امنیتی «مملو» بود این وحشت و دهشت آزادانه و با کمال سبعیت، در حضور سیر بینان قسی القلب به وخامت گرایید. درین حالت که چادر از سر مضروب افتاده بود و از نگاه کرامت انسانی و اخلاق اسلامی، دختر بیدفاع در حالت بدی جلو چشمان همگان قرار گرفته، داد میزد که وی هرگز قرآن را نسوخته و چنین کاری را نمی کند، کجا بود عاطفه انسانی و آن ترحم اسلامی که پیامبر «ص» بر بندگان خداوند متعال توصیه نموده است؟ قدم متهورانه بعدی را البته که قهرمان دیگری برداشت با چالان کردن موتر و عبور آن وسیله نقلیه ثقیل بر جسد نیمه جان زن هموطنی که حفظ حیثیت و آبروی وی را منحصث ناموس یک خواهر افغان باید «ایماناً و وجداناً» خود بر عهده می گرفت.... این قاتل هم با توهین به مقام خواهر، مادر و همسر خویش مانند بقیه آن گروه عهد بربریت، ورق سیاه و خون آلودی را از پامال حقوق حقّه زن افغان در تاریخ قرن بیست و یکم و آغاز سال نو رحلت پیغمبر اسلام «ص» افزود نمود!

در شب و روزیکه مردم افغانستان برای تجلیل از سال نو هجری شمسی ۱۳۹۴ به استقبال از نوروز باستانی، سردی و تاریکی زمستان را پشت سر میگذاشتند، حادثه دلخراش و غیر انسانی ایکه از شنیدن آن لرزه بر اندام هر انسان، افغان و مسلمان می افتد، شهر کابل را در خود فرو برد. بلی در همین پایتخت افغانستان که چند ماه قبل با هزار مشکلات مردمش از زن و مرد با رنگ کردن انگشت خواستند به جهانیان نشان دهند که شعور سیاسی و آگاهی به حقوق شان را دقیقاً جنگ ها و بدبختیها به آنان آموخته و حال گوشه هایی از دیموکراسی را با دادن رای تجربه می نمایند، زن مظلومی «متهم» به سوختاندن اوراق قرآن مجید میگردد و بدون مداخله قوای امنیتی، بدست گروهی جنایتکار از خدا بیخبر با شرائط غیر بشری ابتداء سبعانه به قتل میرسد و بعد جسدش به آتش سپرده

میشود. آفرین به انسان متمدن و قضاوتی که «اجرای» چنین عدالت سخیفانه ای را در قبال داشته است. خبر استخوان سوز بصورت پراکنده در همان روز چنین نشر شده است:

((مقام های امنیتی در کابل می گویند که مردان خشمگین در مرکز شهر کابل، یک زن را که گفته شده قرآن را آتش زده بود، کشتند و بعد جسدش را سوزاندند.

شمار زیادی از کاربران فیسبوک که ویدئوهای این حادثه را دیده اند، از کم کاری پلیس شاکی اند. صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله افغانستان به بی بی سی گفت که بخشی از تحقیقاتی که آغاز شده مربوط به عملکرد پلیس در ارتباط با ماجرای کشتن و سوزاندن فرخنده می شود.

تلویزیون های خصوصی در کابل تصاویری از جسد سوزانده شده این زن را منتشر کرده اند. در ساعت نخست این حادثه، صالح محمد، فرمانده یکی از حوزه های امنیتی پایتخت افغانستان به بی بی سی گفت: "این حادثه زمانی روی داد که یک زن، نسخه ای از قرآن را به آتش کشید و ده ها تن از رهگذران با سنگ و چوب به او حمله کردند و او را کشتند." او گفت که پلیس در محل نتوانسته مانع اقدام مردان خشمگین شود.

ویدئوهایی از جریان لت و کوب و سپس سوزاندن جسد این زن در شبکه های اجتماعی مخصوصاً فیسبوک به شکل گسترده ای منتشر شد که معلوم می شود که پلیس هیچ کاری انجام نمی دهد.

یکی از شاهدان عینی محل حادثه به بی بی سی گفت: "آنها «مردم» او را لت و کوب کردند و کشتند بعد جسدش را به رود خانه «بستر خشک رودخانه» انداختند و سوزاندند. آتش نشان ها بعداً آمدند و آتش را خاموش کردند و جسدش را بردند."))

این بود شمه ای از چنین جریان اسفباری که در کابل، پایتخت افغانستان با موجودیت بیشمار قوای امنیتی و سالها آموزش و تربیت و وظیفه شناسی آنان در حفظ امنیت و پشتیبانی از مظلوم «زنی بی دفاع»، به مقابل مشتی ظالم «ددمنشانی در لباس انسان» ظاهر گردیده بودند، در روز روشن رخ داد! درین جریان یقین است که ده ها مأمور پلیس مسلح من حیث سیر بین اعمال غیر انسانی و وحشیانه گروه آدم کشان وحشی را نظاره مینمودند. اگر عدالتی را انتظار ببریم، اولتر این گدی گک های ترسوی یونیفورم پوش را باید مورد مواخذه و بازخواست قرار داد و بعد به سراغ چهره های شناخته شده ای در کرسی های مختلف دولت افغانستان رفت که آبرو نا دیده، موزه از پا در آورده اند.



مظاهرات وسیع در شهر کابل به منظور دادخواهی و عدالت در فاجعه قتل «فرخنده شهید».

بلی از باور و انصاف بدور است که از صاحب منصب وزارت داخله تا خانه نمایندگان ملت و مؤلفین پیشبرد امور دولت، اشخاصی که در کرسی های نشان دار و نامداری لم داده اند، تا بحال ندانسته اند که هر عمل سوئی که در اجتماع رخ میدهد، آخرین مرحله عدالت و بازخواست جزای مجرم است که به حکم محکمه با صلاحیت جرم وی تثبیت شود، یعنی که با تعصب و عجله جاهلانۀ شان اجازه درک این ماده قانون را برای خود ها نداده اند که «برائت حالت اصلی است، مگر اینکه به حکم محکمه با صلاحیت، ضد آن به اثبات مجرم بودن متهم صادر شود.» دردا که زنانی را هم می بینیم که بی خردانه و ظالمانه بر مسند قضاوت تکیه داده و حکم صادر مینمایند.

بهتر است به قسمتی از اخبار روز حادثه روشنی بیندازیم و به سراغ قانون شکنان متعصبی برویم که دست عمال جنایتکاران «طالب و داعش» را از پشت بسته اند:

(زلمی زابلی، رئیس کمیسیون شکایات مجلس سنای افغانستان، در صفحه فیسبوکش عکس چهره خونین فرخنده را گذاشته و نوشته است: "این همان چهره وحشتناک کسی است که امروز هموطنان ما او را به سزای اعمالش رساندند و ثابت کردند که افغان ها تنها خواهان کشورخود و اسلام هستند . استعمار، ارتداد و جاسوسان را نمی توانند تحمل کنند".

آقای زابلی این پوست را بعداً حذف کرد. سیمین حسن زاده، معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان، در یک پست مرتبط فیسبوکی نوشته است: "هیچ نیرویی در برابر ایمان راسخ مردم مان تاب مقاومت ندارد. با جان و دل از باورهای دینی مان پاسداری خواهیم نمود." او که خود یک زن است و گویا رحمی بر هم جنسان ندارد، سپس آیه ای از قرآن را نوشته که می گوید: "ما «خدا»

خود قرآن را نازل کردیم و از آن حفاظت می کنیم". تلاش بی‌بی‌سی برای گفتگو و مصاحبه با خانم حسن زاده به نتیجه نرسید.

حشمت استانکزی، که در روزهای گذشته به عنوان سخنگوی پلیس کابل با رسانه ها صحبت می کرد در مورد کشتن و سوزاندن «فرخنده» در فیسبوکش نوشت: "این هم «فرخنده» فکر کرده بود مانند چند تن مرتد دیگر با این نوع عمل و توهین، تابعیت امریکا و اروپا را به دست می آورد اما قبل از رسیدن به هدف، جان خود را از دست داد. به دوستدارانش تسلیت می گویم".

بعداً آقای استانکزی در صفحه فیسبوکش از مردم پوزش خواسته و گفته که رسانه ها خبر را به گونه دیگری گزارش داده بودند، اما حالا "واقعیت" را میداند ازین موضوع اندوهگین است. دیگری به اسم شرف بغلانی در صفحه فیسبوکش نوشت که در قتل و سوزاندن «زن بی دین» دست داشته است. پلیس حالا این فرد را بازداشت کرده است.

شمار زیادی هم گفته اند که دولت برای حفظ اعتبارش، برای تداوم قانون، جلوگیری از «فرهنگ داعشی» در میان مردم، باید با عاملین این رویداد جدی برخورد کند)).



حالت زار فرخنده بعد از ضربه های کشنده و سنگ و لگد، قبل از مرگ

درین ماجرای آسف بار اولتر وظیفه پلیس بود که فوراً و به کمک همکاران دیگر، از آغاز عمل و عکس العمل وظیفتاً با درایت و استعمال فیر های هوایی مردم را متفرق نموده و مجروح را از چنگ ددمنشان «نجات» می داد، در حالیکه بیشمار عکسها نشان میدهد که اقدام پلیس سرسری و غیر مسئولانه بوده و گویا ضاربین - قاتلین و مضروب را بحال شان رها نموده و به سیر بینان پیوسته اند.

در حالی که جنایتی چنین مرد سالارانه و دور از شرافت و اخلاق انسان متمدن، مسلمان و افغان متعهد به اصول و قوانین، رخ داده بود که حتی در شورای امنیت ملل متحد از آن با افسوس و

ناباوری یاد گردید، دولت افغانستان، مخصوصاً قسمت اجرایی آن، وظیفه‌اً عمال درگیر درین سلاخی بیش‌رمانه‌ انسانى را به جزای اعمال ناروای آنان میرسانید. بلى، پسندیده می بود که با پیروی از حکم اعدام جنایتکاران حادثه‌ قرغه، این متعصبینی را که چشم انصافشان را شاید اعمال سخیف آدم‌کشان «داعش و طالب» کور نموده بود، به مجازات مشابه محکوم نموده و در حضور مردم به مرحله‌ اجرا قرار دهد.

البته هر روز با شهادت مردم، عکاسی‌های گوناگون و افشای حقایق درین قضیه‌ غیر انسانی مدّش، حقایق تلخی در زمینه‌ این ماجرای استخوان‌سوز افشا و برملا می گردید که با ناباوری و افسوس، لکه‌های بیداد‌گری و ظلم دائمی را بر زن‌مظلوم افغان به اثبات میرسانید.



تابوت فرخنده، برخلاف معمول توسط زنان حمل گردید

این بود جریان فاجعه‌ درد آوری از پایتخت افغانستان که روبروی مسجد و زیارت با عظمت «شاه دوشمشیره ولی» که ارزش تاریخی دارد و هزاران مراسم مذهبی و مجالس فاتحه با اشتراک صد‌ها هزار هموطن در اعصار مختلفه در صحن آن صورت گرفته، دور از کرامت انسانی و اخلاق پسندیده بشری و اسلامی و افغانی واقع شده است. تا بحال هیچ اثباتی و تصویری از سوختاندن اوراق قران عظیم‌الشان در دسترس نیست که بتواند که علت اقدام به این جنایت فجیع را برای مردم بیان نماید.....جنایتی که با کور مغزی و قضاوت جاهلانه زن ستیزی، با بیرحمی عصر بربریت سازمان دهی گردید و دردا که اولیای امور وابسته به فیس بوک‌ها و مطبوعات هم دست از پا دراز تر درین فاجعه‌ غیر انسانی حصه گرفتند. با وقوع چنین حوادث شرم‌آور و عکس‌العمل‌های دور از کرامت انسانی، چگونه باید از نوروز و سال نو به خوشی استقبال نمود و با توانمندی از آغاز ورق دیگری از هجرت پیامبر اسلام به پیش رفت.

نوت: راپور ها در سال ۲۰۱۵ از بی بی سی و مطبوعات گوناگون افغانی اقتباس گردیده است.